



چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۸۲

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

توصیه‌های حاج آقا مجتبی

به‌زائران

راجع به زیارت، دستورات خاصی داشتند که مؤمنان و جوانانی که خدمت‌شان می‌رسیدند مطالبی را می‌فرمودند؛ و عمده کارهایی را توصیه می‌کردند که خودشان به آن عمل می‌کردند.

یک روز در دفترشان برای شهادت رئیس مذهب، آقا امام صادق(ع) من مداحی کردم و بعد خدمت‌شان رسیدم و دست‌بوسی کردم خدمت‌شان عرض کردم زیر را توصیه کردند: وقتی سوار ماشین، هواپیما یا هر وسیله نقلیه‌شدی یا هر جایی که در سفر می‌خواهید، مجدداً سفر کنید (مثلاً از شهری به شهر دیگر بروید مثلاً از نجف به کاشمیر بروید)، ۱۰۰ صلوات، ۱۰۰ الله‌اکبر و بعد از آن ۱۰۰ مرتبه «یا اباالحسن‌الرضا» و ۶ مرتبه سوره توحید را به ۶ جهت بخوانید و بعد یک‌مرتبه آیه‌الکرسی. آفرمودند: این ۵ کار را خود من انجام می‌دهم.

فرمودند: قبل از ورود به حرم ائمه(ع) استغفار کنید، برای اینکه پاک به داخل حرم بروید. از صحن تا داخل به محضر آن امام معصوم صلوات هدیه کنید. در حرم امام حسین(ع)، دعا زیر قبه مستجاب است. در حرم امام حسین(ع) بالای سر دعا کنید. اینکه می‌گویند دعا در بالاسر، چون سری در بدن نیست [اما] در حرم امیرالمؤمنین باید ادب کنید و پایین پا بایستید.

در حرم امیرالمؤمنین یک حاجت مخصوص بخواهید؛ بگویید: آقا من شما را دوست دارم، این حب را پیش شما امانت می‌گذارم، شب اول قبر به من برگردانید.

برای کسانی که به‌شما بد کردند بیشتر دعا کنید؛ این کار، رنگی از الوهیت دارد. ما به خدا بد می‌کنیم او به ما خوبی می‌کند. خیلی برای دیگران دعا کنید و همه را مد نظر داشته باشید.

میثم مطیعی
حاج آقا مجتبی
[خاطراتی از زندگی عالم عامل حاج آقا مجتبی تهرانی]
مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصباح‌الهدی
صفحه ۲۱۸

روایت یک شاهد عینی

روزی که آمریکا هیروشیما را بمباران اتمی کرد ۱۴ ساله و کلاس هشتم مدرسه بودم که شهر [هیروشیما] بمباران شد. حالا که ۹۲ سال دارم هنوز آن روز را بخوبی به یاد دارم. زمانی که بمب اتم به هدفش اصابت کرد، من در مکانی متعلق به ارتش این بودم که کمتر از ۲۵ کیلومتر با ایستگاه قطار هیروشیما فاصله داشت.

هیروشیما در میان شهرهای دیگر زاین انتخاب شد، زیرا برخی آمریکایی‌ها خواستار هدف قرار دادن یک شهر ژاپنی با قطر ۴۰۸ کیلومتر بودند و می‌خواستند تأثیر بمب را از فاصله‌ای مشخص بر شهری با آن حجم بسنجند.

در ۶ آگوست ۱۹۴۵، هواپیمای جنگی آمریکایی «ینولاگی» از پایگاهی در جزیره تینین در اقیانوس آرام به آسمان پرواز کرد و سفارش ۵ ساعت طول کشید اما قبل از پرواز، یک هواپیمای دیگر برای ارزیابی وضعیت جوی در ۳ شهر هدف حضور داشت، تا در نهایت هیروشیما به عنوان بهترین گزینه برای پرتاب بمب انتخاب شد.

بمب اتم ساعت ۸ صبح پرتاب شد و انفجار طبق برنامه، روی دایره‌ای به قطر ۳ مایل رخ داد و چون هیروشیما با این معیارها مطابقت داشت، برای این منظور انتخاب شده بود.

نتیجه نهایی این بود که تا پایان دسامبر ۱۹۴۵، ۱۴۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند. اکثر قربانیان ژاپنی بودند اما تعدادی کراهی که در ژاپن کار می‌کردند، زندانیان و ۱۲ نظامی آمریکایی نیز در بین آنها بودند.

آنچه بیشتر بر من تأثیر گذاشت، هدف قرار گرفتن مرکزی بود که در آن زمان پر از دانش‌آموزان همسن من و در حال برگزاری فعالیت‌های دانش‌آموزی بود. همه دانش‌آموزان مانند تکه‌های کوچک در هوا پراکنده شدند و من بهیوش شدم. همچنین کارگرانی در آنجا بودند که مشغول انجام کارهایی برای حفاظت از شهر در برابر بمباران‌های هوایی معمول بودند و هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند که بمباران هسته‌ای رخ دهد. مدرسه ما (هیروشیما نیشیو) به طور کامل تخریب شد. تعداد قربانیان در مدرسه ما به ۳۲۱ دانش‌آموز در کلاس اول و ۴ معلم رسید.

دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان ما در فاصله ۵۰۰ متری از مرکز بمب بودند و ۷۰ درصد آنها جان خود را از دست دادند، زیرا بمب دمای بسیار بالایی حدود ۴۰۰۰ درجه سانتیگراد ایجاد کرد.

از شدت انفجار، آسمان را رنگ سیاهی پوشاند که به دلیل مخلوط شدن هوا با خاک زمین بود، حتی باران‌ها نیز به خاطر آلودگی هوا سیاه می‌بارید. کودکان زنان باردار هم تحت تأثیر بیماری‌ها و اشعه قرار گرفتند و برخی در رحم مادر مردند، بعضی دیگر دچار نقص‌های مادرزادی شدند و بسیاری دیگر هم به سرطان خون مبتلا شدند که جان بسیاری را بعد از ۲ یا ۳ سال از این حادثه گرفت.

سادا یاماتو
روزنامه الشرق الاوسط
[روایت یک شاهد عینی از بمباران اتمی هیروشیما]
خلاصه‌شده از ترجمه پایگاه خبری شفقنا
۱۱ دی ۱۴۰۳

پیامبر اعظم(ص)

برای یتیم همچنان پدری مهربان باش و بدان همان‌طور که کلمات می‌گنای در خواهی کرد.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌سان: vatanemrooz@ | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گفت‌وگو با کارگردان انیمیشن «فرمانروای آب» و پیش‌بینی نبرد ایران با دشمنان صهیونیست

روایت ایرانی از نبرد آخرالزمان



میلاد جلیلی‌زاده

این روزها صحبت از انیمیشن ایرانی «فرمانروای آب» زیاد به میان می‌آید؛ فیلمی که حدود ۱۰ سال پس از کلید خوردن پروژه‌اش حالا به‌تازگی روی پرده رفته و با وجود اینکه تکنیک‌های به کار گرفته شده در آن نسبتاً قدیمی شده‌اند، توانسته توجهات را به روایت خوش جلب

کند. ماجرا از این قرار است که اشارات این انیمیشن به شکل درگیری ایران با دشمنانش بسیار به آنچه طی نبرد اخیر با رژیم صهیونیستی شاهدش بودیم شبیه است و حالا پیش‌بینی‌هایی که در این فیلم شده بود، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. «فرمانروای آب» به نوعی رکورددار متوقف شدن یک فیلم ایرانی پشت صف اکران است و این قضیه مشخصاً به همراهی نکردن بعضی مسئولان فرهنگی و ایجاد یک‌سری دست‌اندازها برمی‌گردد. نکات برجسته و به‌شدت تربیتی هم باشد.

■ **فرمانروای آب» بر اتحاد و همبستگی مسلمانان تاکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه دشمنان از تفرقه در جامعه برای پیشبرد اهداف خود و از بین بردن ما استفاده می‌کنند. فکر می‌کنم با توجه به وقایعی که امروز در سوریه می‌بینیم، هنوز هم اتحاد کلیدی‌ترین المان موفقیت در جوامع مختلف چه به صورت ملی و چه در جهان اسلام باشد؛ موردی که در پیام اخیر مقام معظم رهبری خطاب به مردم و مسئولان نیز بر آن تاکید شده است. نظر شما در این مورد چیست؟**
این بحث اتحاد و همبستگی مسلمانان چیزی است که در فیلم قبلی هم که ما به اسم «داستان سامرا» کار کردیم وجود داشت. تأکید ما بر اینس بود آنچه را باعث تفرقه و جدایی بین مردم و مسلمانان در منطقه ما شده شناسایی و تلاش کنیم نوعی از همراهی و همسویی و در واقع انسجام در عین حفظ اعتقادات و آرای هر کسی را پیشنهاد بدهیم. مهم‌ترین چیزی که در این فیلم مورد حمله دشمن قرار می‌گیرد، انسجام است. تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین شیعه و سنی در میان مسلمان‌های کشورهای مختلف منطقه، چیزی است که این فیلم سعی می‌کند آن را نشان بدهد. فیلم می‌خواهد نقش تفرقه‌انگیزی دشمنان را که در لایه‌های مختلفی طراحی شده نشان دهد؛ دشمن رسانه‌ای، دشمنان بومی و در نهایت هم دشمن فرامنطقه‌ای. این ویژگی یعنی تفرقه‌افکنی و جدایی‌افکنی مورد توجه این فیلم بوده و تمام تلاش‌مان بر این بوده که این اتحاد و همبستگی بین مسلمانان را توصیه کنیم و عامل این جدایی را یک عامل خارجی تعریف کنیم. در این فیلم صحنه نمادینی وجود دارد که در آن آدم‌هایی که ایستاده‌اند و دارند با هم نماز می‌خوانند، برخی شیعه و برخی اهل سنت هستند ولی در عین حال به سمت یک قبله عبادت می‌کنند.

■ **فرمانروای آب مدت‌هاست در صف اکران قرار دارد و احتمالاً تاکنون افراد زیادی این فیلم را دیده‌باشند. واکنش مخاطبان به این اثر چگونه بوده؟ آیا مورد خاصی به خاطر دارید که بازگویش جالب باشد؟**

به هر حال ما در صنفی طولانی برای اکران قرار گرفتیم. در طول این سال‌ها بارها این فیلم در فضاهای خصوصی و محدود اکران شده است. در جشنواره کودک سال‌ها پیش به نمایش درآمد.

طی همین مدت زمان نظر مخاطب کودک را توانستیم دریافت کنیم. برای بسیاری از مدیران سینمایی کشور فیلم نمایش داده شد، نظرات‌شان شگفت‌انگیز بود که در ادامه به آنها اشاره خواهم کرد. مردم عادی و معمولی هم این فیلم را دیدند و نظرات‌شان را دریافت کردیم. چیزی را که از جمع‌بندی این مخاطب‌های متنوع، یعنی مدیران، مردم و کودکان به دست آمد برای‌تان بازگو می‌کنم. می‌توانم بگویم آدم‌های معمولی وقتی با این فیلم برخورد می‌کنند، تقریباً کسی را که از سالن سینما باز محل اکران با ناراضیاتی خارج شود نداشتیم و همه با حس داخل این فیلم و با فضایی از اقتدار، از غرور و هویت‌بخشی

قابل توجه در این انیمیشن صرفاً پیش‌بینی نوع درگیری ایران و رژیم صهیونیستی نیست، بلکه نگاه تمدنی آن به نبردی که درونش هستیم هم بسیار اهمیت دارد. انیمیشن سینمایی «فرمانروای آب» در دل سامرا اتفاق می‌افتد؛ جایی که پیرمرد نشستۀ در سرداب، از حس حضور آن مرد هزار ساله تعریف می‌کند. به عبارتی «فرمانروای آب»، روایتی است از تمدن نوین اسلامی و اقتداری که از لطف مهر او سرچشمه گرفته است. این انیمیشن ۹۰ دقیقه‌ای

که در کار وجود دارد، حال‌شان خوب می‌شود. اینها باعث شده کسانی که در معرض این فیلم قرار می‌گیرند، به طور معمول هیچ‌کدام خاطر بدی با خود بیرون از سالن نبرد. نخستین نمایش ما در جشنواره فجر ۱۳۹۵ بود که مردم وقتی از سالن داشتند خارج می‌شدند، جمعیت زیادی که برای دیدن این فیلم آمده بودند، آن موقع هم بحث فنی فیلم برای‌شان خیلی جذابیت داشت و هم محتوای به‌شدت افتخاربرانگیزش و اینکه ایران از لحاظ توان دفاعی در وضعیتی قرار گرفته که می‌تواند از خودش به نحو احسن دفاع بکند و حرفی برای زدن داشته باشد. ولی نکته‌ای که جالب است به برخورد مسئولان با فیلم برمی‌گردد. برخی مدیران ما واکنش‌شان نسبت به این کار اصلاً مناسب نبود. بعضی مدیران این فیلم را به هر علتی نپسندیدند و نپسندیدن‌شان را اعمال هم کردند و همین باعث این تأخیر طولانی مدت در رسیدن فیلم به مرحله اکران شد ولی خوب بخشی از مدیران سینما هم فیلم را دیدند که دوستش داشتند. مثلاً یادم است یکی از مدیران خوب، وقتی این فیلم را دید گفت این فیلم برای الان نیست، این برای ۱۰ سال آینده است. الان برای این فیلم درک لازمی وجود ندارد. مخاطب کودک ولی برخوردش اساساً متفاوت بود. به انیمیشن نگوییم یک اثر، فرم انیمیشن جذابیت بصری ویژه‌ای برای کودکان دارد و این فرم به طور معمول متعلق به کودک است. به همین خاطر وقتی ببینند کودک با این فرم مواجه پیدا می‌کند با اینکه مفاهیم سختش را درک نمی‌کند ولی به خاطر وجود صحنه‌های جذاب و اکشن‌های متعددی که در داخل فیلم قرار دارد با فیلم ارتباط برقرار می‌کند. در بعضی جلساتی که من با حضور همین بچه‌ها داشتم، برخی از آنها حتی به ظرافتی که داخل فیلم قرار گرفته بیشتر از بزرگ‌تراها اشراف پیدا کرده بودند و نکته‌بینی و دقت نظرشان باعث شگفتی آدم بزرگ‌های جلسه هم می‌شد. به همین خاطر فکر می‌کنم مخاطب اصلی و محوری این کار آدم‌های بالاتر از ابتدایی مقطع دوم، یعنی ۹-۸ سال به بعد هستند و آنها کاملاً می‌توانند این فیلم ارتباط برقرار کنند و البته شاید بعضی‌ها به بخشی از تکنیک‌هایی که در سال‌های پیش‌تر متداول و قابل قبول بوده و الان اندکی کهنه به نظر برسد ایراد وارد کنند ولی در ۸،۷ یا ۱۰ دقیقه اول فیلم این اتفاق برطرف می‌شود و ببینند به‌راحتی با این فضای فیلم اخت می‌شود و تا انتها می‌رود.

■ **مهم‌ترین دغدغه امروز آقای مجید اسماعیلی به عنوان یک هنرمند و یک معلم چیست؟ آیا دوباره سراغ مدیوم سینما برای صحبت با مخاطبان تان برای بازگویی این دغدغه می‌روید؟**

مهم‌ترین دغدغه‌ای که برای من به عنوان کسی که از بیش از ۳۰ سال پیش سکونت معلمی را چه در مدارس و چه در دانشگاه‌ها انتخاب کردم وجود داشته، انتقال اجزای تمدن ایران به مردمان‌مان بوده. به نظر می‌آید رسالت فیلمسازان جدید انتقال دانش و آگاهی لازم به ارکان و اجزای تمدن ایران است و انتقالش از مسیر پرمخاطب و فراوان و مشتاق سینماست. به‌نظم ما در این بخش به‌شدت دچار فقر هستیم و فیلم‌هایی که بتوانند معرف تمدن اسلامی و تمدن ایرانی باشند به اندازه‌ای که بتوانند تغذیه نسل جدید را به عهده بگیرند، وجود ندارد. بنده یه تردید در صورتی که امکان لازم برای این کار فراهم باشد، حتماً باز هم از این مدیوم برای بیان موضوعات فرهنگ و هنر و تمدن ایران استفاده خواهم کرد.



به‌نویسندگی و کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی مجتبی امینی و حسین سلطانی در استودیو آوین رسانه تولید شده و هم‌اکنون در سینماهای مختلف کشور در حال نمایش است. با اسماعیلی، کارگردان فرمانروای آب، درباره پیش‌بینی‌اش از جنگ نوع روایت داستان، واکنش رسانه‌های معاند بیگانه به فیلم او، مسائل تمدنی مطرح شده در فیلم و چند نکته دیگر گفت‌وگویی کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ **رسانه‌های بیگانه به اکران فیلم شما واکنش نشان دادند. نظر تان درباره این واکنش‌ها چیست؟ آیا می‌توانند مردم را از دیدن فیلم‌تان منصرف کنند یا تأثیرگذاری آن را از بین ببرند؟**

به نظر من کاملاً طبیعی است که وقتی فیلمی با این ویژگی‌ها، یعنی تلفیق نگاه سیاسی و دینی و بانگاه امیدآفرینی و بیان هویت یک کشور می‌خواهد کاری انجام بدهد، رسانه‌های بیگانه نسبت به آن واکنش منفی داشته باشند و البته متأسفانه در بین برخی مدیران هم این اظهار نظرها واکنش‌هایی را در پی داشته است. در کنار انبوه مدیران دلسوز و محترمی که تمام تلاش‌شان را دارند برای اکران این کار صرف می‌کنند، بعضی مدیران براین حرف رسانه‌ها صحنه می‌گذارند و می‌گویند یک فیلمی که بیش از ۱۰ سال پیش تولید شده را چرا باید جمهوری اسلامی اکنون اکران کند؟ من باید تأکید کنم این فیلم هیچگاه اکران نشده و ما هیچ وقت اکران سینمایی این کار را نتوانستیم انجام بدهیم. به همت دوستان ما در بخش بهمن سبز و دوستان عزیز عمار این اتفاق محقق شده و هرگز تا حالا این اتفاق نیفتاده بود. تصور من است برخلاف انتظاری که خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بیگانه دارند و فکر می‌کنند با این اظهار نظرها می‌توانند مانع دیدن این فیلم شوند، اتفاقاً مردم ما نسبت به این آثار تمدنی، بازخورد خوبی از خود نشان بدهند و شاید اگر اطلاع‌رسانی کافی و فراخوان لازم و احضار متناسبی از مخاطب اتفاق بیفتد، این فیلم به یکی از پرفروش‌ترین آثار انیمیشنی کشور بدل شود. بنده به عنوان عضو کوچکی از عوامل تولید این فیلم، امیدوار هستم مخاطب عام که مردم معمولی و عزیز این کشور هستند، به این فیلم اقبال خوبی نشان بدهند و اتفاقاً این رسانه‌ها پیام‌های‌شان به جریان عکس آن تبدیل بشود.

■ **اگر قرار باشد درباره روز ۱۲ روزه بعدها قصه‌ای در قالب انیمیشن روایت شود، به نظر شما از کدام بخش این اتفاقات می‌شود بهترین قصه‌ها را گفت؟**

جنگ ۱۲ روزه قسمت کوچکی از یک جنگ بسیار بزرگ است. این جنگ لزوماً جنگ سخت نیست و جنگ نرم است. در آن جنگ نرم قرار است ماهیت یک کشور و یک تمدن زیر سوال برود و در مصاف بین ارکان و اجزای این تمدن برود. در این جنگ طرفی می‌تواند غالب باشد که بتواند روایت دقیق‌تر و عمیق‌تر و پسنسیدیده‌تری از اختیار مرمتش قرار بدهد. به نظر می‌رسد اکنون وقت این است که ما روایت‌رسانی را نسبت به اعتقادات خودمان کنار بگذاریم و آن چیزی را که در اعتقادات مردمان ایران‌زمین وجود دارد بیان کنیم. اعتقادات این مردم نسبت به دنیا، نسبت به جهان بعد از این دنیا، نسبت به آرزوهای که منظر آن هستند... اینها باید بیان شود و تصور می‌کنم مردم ما تشنه شنیدن اینها هستند و همین اعتقادات هستند که متأسفانه در این سال‌ها خیلی کم به رشته تصویر درآمد. تأکید می‌کنم در دنیای امروز هر چیزی که به زبان و بیان جذاب و عمیق رسانه سینما و تصویر دراماتیزه شده درنمی‌آید، از سپهر ادراک و فهم و دانایی مردم خارج می‌شود. من تصور می‌کنم هم بنده و هم فیلمسازانی که تعهد دارند و در دل‌شان احساس می‌کنند در این جنگ طولانی که ما با دشمن‌مان داریم باید شرکت نکنند، باید به اجزای این مواجهه تمدنی بیشتر بپردازند و غلبه و تفوق تمدن پاک و زیبای ایران را نشان بدهند.

تمدنی که دارد با ما می‌جنگد؛ تمدنی است که از ریختن خون بچه‌ها و آدم‌های بی‌گناه، هدف قرار دادن بیمارستان و آمبولانس و فضاهای کاملاً غیرنظامی هم ابا نمی‌کند. اینکه اساساً گرفتن جان آدم‌ها برای یک قوم و دسته و گروه خبیث این‌قدر ساده باشد این جزو شاخصه‌های آن تمدن است. برعکس در تمدن اسلامی- ایرانی ما جان آدم‌ها اهمیت دارد و به همین خاطر است که ادب و رسمی که پیامبر ما برای جنگ‌ها بیان می‌کردند، اقتدر انسانی، اخلاقی و با مروت است که هر کسی به آن توجه کند لذت می‌برد. بنابراین لازم است که ما بگوییم کی هستیم؛ بودنی‌های خودمان را باید بیان بکنیم. باید واقعیت بیگانگانی را که روی‌روی ما ایستاده و خون مردمان ما، همچنین خون دانشمندان و مدافعان ما را ریخته‌اند، بیان کنیم. البته ایسن را هم اضافه کنم که من بعد از پایان نگارش فرمانروای آب، نگارش بخش دوم آن را هم شروع کردم و فکر می‌کنم از نگارش آن بیش از ۵ سال می‌گذرد که آن داستان باز هم در ادامه همین داستان فرمانروای آب و ادامه یک مواجهه پیچیده است. اتفاقاً در آن داستان تمرکز بیشتری به موضوعات امروز ما وجود داشت. متأسفانه جریان ساخت این گونه آثار با دست‌اندازهای فراوانی روبه‌رو شده که امیدواریم با درایت مدیران فرهنگی و با حمایت مردم فرهنگ‌دوست‌مان این دست‌اندازها برطرف شود و جریان و استمرار ساخت فیلم‌هایی مانند «فرمانروای آب» تحکیم شود.